

Subject:

Year:

Month:

Date:

جهانگردی یا جهانگردی، زندگی که آنرا را بهبود می بخشد، آسایش می زند.

هستند.

بنابراین گردشگران مختلف از زوایای مختلف با سبکهای گوناگون سرگردانند و تجویزهای متنوعی از جهانگردی

جهانی گردان می باشد که در هر آن مرزها و تعاریف گوناگون می شوند و در واقع تعاریف به نفع تسهیلات و امکانات

بسیار به نفع و ضعف می شوند. یکی از جلوه های جهانی گردان انتقال زبان است. یعنی واژه ها از فرهنگ ها عبور کرده و

به جاها دیگر منتقل می شود. انتقال زبان به علت انتقال تمدن تکنولوژی است که اتفاق می افتد.

به هر روی این که نگاه کنیم جلوه جهانی گردان را به راحتی می توان در آن مشاهده کرد. مثلاً قطعات تلویزیون، قطعات

در جاها مختلف ساخته می شود و در هر جا که می شود در این تلویزیون را به های را نگاه می کنیم در کشور خودمان و

جاها دیگر ساخته می شود و این تلویزیون خودی می باشد که جهانی گردان است چه برای خریداران آن (تولقات) و

چه برای بایدهای آن که می بینیم هم نوعی از جهانی گردان هستند مثالی دیگر: لباسی که ما می بینیم نوعی از جهانی گردان است

بسیاری از واژه های که امروز به کار می آوریم صد سال قبل وجود نداشته و می آمدند و وجود دارند.

بنابراین هر چه دیدیم که در هر روز آن سرگردانیم به گونه ای است که ریشه آن در جای دیگر آمده و به مرور به جاها می

منتقل می شود و به جاها می رسد.

در میان سطوح فرهنگ (سبک، ادبیات) هم تفاوتی افتاده. مثلاً صنعت نساجی در جاسه با یکی از محصولات

صفت چنانی گون است. (سید کاظم طائری) نور کاظم علیان را اور در سر کاظم.

در واقع اتفاقی، می افتد ای است که آدمها در فرهنگهای مختلف، با همدیگر تقویت و تقاضای همدیگر می شود.

محبوبی دین حاصل ہے

از منظر مباح علمی و فقهی این سوال مطرح می‌گردد آیا محتاجانی که دل‌خیزند و حبس مثبت در آنجا حبس می‌شوند در آنجا حبس می‌شوند؟

حسبِ مقرر صحابی گوید کہ مفہوم سلطہ انعامِ مبرا ہی ہے۔

جہاں شہنشاہ عالم ہوا وہاں عزت فوجی کسوں ہاں آج تائیں فراموش نہ ہو؟

جھانی سون تنوع را در جھال زیبا سر می بندد. در جھانی نوون - جھال بسبب طغیانهای تیره است، فریاد آن

کدامی هستند همگی هستند. این را بخوانید این حق را دانستند با خود خوانند و نهانی شوند. جبهانی شوند.

میں نے بھی اس حق راغزوئیں کو مراہ است۔ دلائل: ہونی

بھائی دل میں تو اندر خوب ادا کرید۔ چھائی کون راہی توان کشتل کرد و دست آں راہی توان کس در یاد کرد۔

این جریان کثیف شده و همچنان هم ادامه دارد و صد ملتوری و صد رانگی، جهان گیر شده. راهرو

تشریف (۱) بہ صاحب مسافرت اور کٹر شکاری۔ صاحب گڑ شکاری بولند خود درو و شفت الہی ہزاروں نعمت ضائع

اسی تحرک حقیقی کی آواز ہے ہم نزدیک ہو گئے۔ مابینِ واقعیت و تصور موانع نہیں رہیں! درواقع حقیقی!

هم فرصت است و هم تجدید و این تهودی سبب سقوط کوههای جهان سوم و تولد نیاخته است.

جامعه ای در جهانی بودن جایز است هر کوبه چار صفتی درونی باشد.

جهانی بودن خواه ناخواه یک عرصه رقابت است برحسب اقتضای سیاسی و فرهنگی

من افتد.

تو یک نگاه کن باینکه (۱) جهانی بودن هم سبب است و هم معنی (۲) برای بودن اعتبار نباید است و اعتبار

آغاز یک استیلا نیست در سقیت جهانی بسیار مهم و ضروری است و انجام حیل عمل هو سفندانه می تواند موجب

۹۱/۲۲

یک چرخ را تغییر دهد.

یک تعریف می تواند از جهانی بودن: عبارتند از فرایند فرسودگی فرایند زطل و مطلق فضای به واسطه آن

بردم دنیا کم و بیش و به هر روی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می شوند به بیان دیگر جهانی شدن

معطوف به فرایندی است که در جهان آن فرو رها می در گستره ای جهانی با یکدیگر می پیوندند و می خوانند.

شرکتی و آن و معنای قلمرو فضای جغرافیایی کوچک می شود و در آن مکانی (جغرافیایی) برآیند می شوند.

بی جزو مکانی به صدر گسترده می برآیند می شود. تاکنونی عمل و عمل امکان گذر از مرزها را برآیند می شود.

می کند و افراد می توانند حرکت مکانی پیدا کنند از نگاه از هوا (۱) (۲) تکنولوژی ارتباطی امکان انتشار اطلاعات

خبر، آگاهی و سایر جنبه ها ظاهر است فراهم می کند (رایدیو، اینترنت و ...)

دعوت کفتم کردی و من را به سوی تو خواندند و مرا به سوی تو خواندند و مرا به سوی تو خواندند.

اینجا پس فرموده آگاهان بر (هکده چاهای) طبرستان و نود و یک آگاهان ۸ آیه خود را در دست فرموده و این کتب را ۸

احسن الادر تغیرات کر کے دار علم و نور میں رہیں۔ یہاں تک کہ اس وقت تک خط انفاق میں آمد نہ

نخبگان دهر فرزند بر شوهرها مختلف نفس عمل تغیر یا کمال اندر یا سهیل گفته تغیر استیم می کند

تختجان کای مستحق در زمین دهن لعل یا فخر و ... از دیرال ... و احمد در لای تبدیل به صرح

در کون رسته نه زنده نضبان در واقع چسببان درین گره خاص هستند بهمن بخواب نضبان بیای

فرزند خنجر خنجر د - دایم

در واقع اندازم جلای (و در درجہ جلای) از قرآن حفظ کرده است که سید شمس الدین واد

تجارت اجماعی بنی چند یک شوند. این بنی قیم، طاهانه است.

در مورد جملاتی مثل: $\frac{1}{x^2}$ یا $\frac{1}{x^3}$ و $\frac{1}{x^4}$ و غیره. → نتیجه

از تغییرات جهانی بودن بیهوش مقاومت می کند. در هر دو گذر در فرهنگ جهانی حل می شود و پذیرش می کند.

مثلاً در دگرگونی تاریخی، هرگز نتواند در دگرگونی جهانی و تمامی دگرگونی را ایجاد می کند و توان با آن در دگرگونی و در دگرگونی

هر گونه تعالی که در آن است، این فرهنگ و دگرگونی است. بر خود را از فرهنگ و دگرگونی است. در دگرگونی است.

در دگرگونی است. در دگرگونی است. در دگرگونی است. در دگرگونی است. در دگرگونی است.

جامعه ایران یک جامعه فرهنگی یک دست نیست و چند لایه است تا یکبار به یک دست. انواع

فرهنگ در جامعه ما وجود دارد (۲) پیشینه یا عقبه تاریخی و فرهنگ: به طریقی فرهنگی؛

از گذشته تاریخی و پیشینه تمدنی طولانی سرچرخ دارد. کمتر در معرض تغییر، از گذشته تاریخی و تمدنی

قرار می گیرند. (۳) یک فرهنگ نامحدود گسترده است. یعنی آنچه در فرهنگ را بزرگوار می نامند و در دگرگونی

خوش است. در دگرگونی فرهنگی در دگرگونی تاریخی و دگرگونی تاریخی و دگرگونی تاریخی و دگرگونی تاریخی

عند فرهنگ جهانی و دگرگونی تاریخی و دگرگونی تاریخی و دگرگونی تاریخی و دگرگونی تاریخی

در عقبه تاریخی و پیشینه فرهنگی (۲) طریقی بودن فرهنگ باعث می شود که دگرگونی تاریخی و دگرگونی تاریخی

فرهنگ بزرگوار یا دگرگونی. ۱۴۰۲/۲/۹ هویت

هویتی محصل جامع و انقباض جامع در فرهنگ است. هویت یک نفر انسان است که خویش

هویت در لغت اصحاب عقل می نبرد و ریشه و راسخ ندارد و در آن هیچ دھالتی ندارد.

کیه لجهوت فری:

هویت چیزی در صحن و سلسله مراتبی است و چیزی لطیف است. هویت چیزی در صفات است و از صفات بر اساس عضویت است.

اسیرا هم هویت نمی هستند ↓

یا بقلل جان به یک های جمعی

حاجت بقدر عقوت ها بر رهن مان هویت جمعی داریم مگر عضویت هستیم و سره می هستیم

هویت قبل از ایاقوس: طریس، لمر. عضویت اصحاب ملحق هستیم هویت المزی داریم. عضویت های دینی هستیم،

مای سلمان. عضویت خبر بسیار است هویت سیاسی داریم. حتی تعلق ملل. آن خبری است که در آن عضو هستیم. (به تعداد راه ها و جبهه های آن) (عقوت هستیم هویت داریم.)

هویت سلسله مراتبی است یعنی کدام هویت ما را ما محترم تر داریم هویت کم اهمیت تر است به عبارت دیگر کدام مای جمعی بر ذهن ما، در احساس ما و در عمل ما جایگاه برتری را دارا می باشد.

بی شریعتی: در دو جا بین می آید. یا اینکه اصولاً ما هیچ احساس تعلق به هیچ جانداری نیستیم. نه سرور، نه خانواده و... بر ایمان محکم نیست و یا تعارض بین هویت است. یعنی بطور مختلف هویت با هم تعلق پیدا می کنند.

همانی شدن در فواید گوید، هجا بهاد از زیر، انتقادات و پس سوئیدان جهانی و از طرفی ما به یک فرقت تعلق

داریم (فرقت از زیر فرقت از لهر) هر کدام از اینها ما را به سوی می کشد. عناصر هویت جهانی فرقت هویت من را مورد

هجوم قرار می دهد. جهانی شدن در فواید از برای جهان تحول را جاگزین کرد برای قومی، وطنی و ملی می کند

همانی شدن انقار منجم ای است، هر کسی نفس را در آن محصور می کند

۱- هویت انسان مجسم می شود

هویت با برتری بر فرد پیدا می کند. هویت دو کار دارد.

۲- هویت تمام جنبه

انسان برای هویت محکم ترین وجهش اصحابی پوشش است.

صلی
هویت ارکان و وظیفه‌هایی دارد: ۱- زبان ۲- ادبیات و تاریخ ۳- مردم ۴- خاک ۵- خو
اجتماع صلی. هویت ملی یعنی عضوی از اجتماع ملی ایرانی هستیم.

ما با هویت رنجی هویت نداریم. هویت مغربی نیست و در سطحی اسمی اندازه گیری نمی‌شود در سطح
ترتیبی است و یک طیفی است که آدم‌ها روی این طیف در جاها مختلف قرار می‌گیرند.
مثلاً جنبش نیست که یکویم زن یا مرد. مثلاً مثال بزنیم راننده توان در صف مردین قرار داد.
مثلاً حجاب زنان در مقام نفر خارج کشور اتفاق این است که وجوه دینی در این آدم‌ها اندازه کافی تشبیه
نموده است. هویت در اجتماعی شدن شکل می‌گیرد. اگر حجاب درونی زده و تشبیه زده باشد در طول
حفظ خواهد شد و هر چه که لزوری از دروازه‌ها باشد مسلماً تشبیه خواهد داشت. نخواهد

هویت پیرایه‌ای تشبیه است. ماهیت‌های حیوانی داریم. (مردی و حسی)

ساده‌ترین سطح هویت هویت فیزیکی است که باز اگر تشبیه مشخص می‌شود
کاملاً حسی و فیزیکی است هیچ جنبه اجتماعی ندارد.

در دانی

تشخیص فردی که منحصر به امر خاصی است که معانی دیگر در هافری انسان است.
کولی می‌گوید آنچه ما از خودمان تصور داریم تصور است که فکر می‌کنیم دیگران دارند.
تصور ما از خودمان داریم تا آنکه تعریفی است که دیگران از ما می‌کنند.

هویت اجتماعی تعریفی است که من از خودم دارم بر اساس وابستگی یا عضویت برای گروهی.

هویت محلی داریم. هویت منطقه‌ای، هویت ملی و هویت شهری داریم. هویت جهان‌شمول داریم
من خود را بعنوان عضوی از جهان سوم معرفی می‌کنم و خود را نسبت به جهان روسی‌ها متعلق و متعلق می‌دانم.

Subject:

Year . Month . Date . ()

نقص عضو بودن دین کرده یا یک ماه معنی احسان هوس نیست.

هوس تحت تأثیر نیروی مختلف شکل می‌گیرد. هر جایی رسایم با هر کس که در آن اسم ایرانی بودن در آنجا بار
کار نیست بکنم ولی اسم ایرانی بودن پاک نشود.

کسی دارای هوس است که آگاهانه، عالمانه منکر ارزش و دارایی فرهنگی خود
باشد یعنی به لحاظ باور و اعتقاد یک برتری برای فرهنگهای دیگر نسبت به فرهنگ خود داشته باشد.
احسان هوس داشتن اصلاً نادره و نادر است.

لایبی هوسی افکار عالمانه و آگاهانه داشته‌های فرهنگی است دانسته خود را ذاتاً و جوهری
فروست و بی ارزش تلقی کند.

هویت ملی و وظیفه‌هایی دارد ۱- زبان ۲- ادبیات و تاریخ ۳- مردم ۴- خاک ۵- خور
اجتماع ملی. هویت ملی یعنی عضوی از اجتماع ملی ایرانی هستیم.

ما با هویت دینی هویت نداریم. هویت منفردی نیست و در سطحی اسمی اندازه گیری نمی شود و در این
ترتیبی است و یک طیفی است که آدم‌ها روی این طیف در جاها مختلف قرار می گیرند.
مثلاً جنبه‌ی نیست که بگویم زن یکسر. مثلاً مثال بودن را نمی توان در منفردی قرار داد.
مثلاً حجاب زنان در هنگام سفر خارج کشور، اتفاق این است که وجوه دینی در این آدم‌ها اندازه کافی تشبیه
نشد است. هویت در اجتماعی شدن شکل می گیرد. اگر حجاب دینی رده و تشبیه رده باشد در طول زمان
حفظ خواهد کرد و هر چه که از ردی زرد و اصبا را باشد مسلماً تشبیه خواهد داشت.

هویت دینی به این شکل است. ما هویت‌های حیوانی داریم. (فردی و جمعی).

ساده ترین سطح هویت، هویت فیزیکی است که با اثر گذشتن محقق می شود.
کاملاً جسمی و فیزیکی است و هیچ جنبه اجتماعی ندارد.

شخصیت فردی که منحصر به فرد خاصی است که صفات دیگرش هافری انسان است.
کولی می گوید آنچه ما از خودمان تصور داریم تصور است که فکر می کنیم دیگران دارند.
تصور که ما از خودمان داریم متأثر از تجربه‌ی است که دیگران از ما می کنند.

هویت اجتماعی، تجربه‌ی است که من از خودم دارم بر اساس وابستگی با عضویت‌های گروهی.

هویت محلی داریم. هویت شهری، هویت ملی داریم. هویت جهانی عمومی داریم.
من خود را بعنوان عضوی از جهان سوم معرفی می کنم و خود را نسبت به جهان عمومی‌ها متعلق و مسئول می دانم.

نقص عضو بودن دین گروه یا یک مذهب معنی احساس هویت نیست.

هویت تحت تأثیر نیروی مختلف شکل می‌گیرد. هر جای دنیا برویم باید گرایش و دل‌اسم ایرانی بودن در نهاد ما باقی بماند. کارشیت یکم دل‌اسم ایرانی بودن یک است.

کسی دارای هویت نیست که آگاهانه، عالمانه، منکر ارزش‌ها و دارنده فرهنگ خاص خود نباشد. یعنی به لحاظ باور و عقاید یک برتری برای فرهنگ دیگری نسبت به فرهنگ خود داشته باشد. حساسیت هویت داشتن اصلاً نادره و شایع نیست.

اگر هویتی انکار عالمانه و آگاهانه داشته‌های فرهنگ است دانش خود را ذاتاً و جوهراً فروست و بی‌ارزش تلقی کند.

۹۵، ۳، ۱۵

جواب سؤال هفتم: ۶ (رسول ۲). انچه برای یک مذهب یا گروهی است که بتواند بوجود آورد و تبلیغ

کمی نداشته باشد یعنی همان توانیم بگویم که قهراً یا اجباری شدن به تقویت فرهنگی منطقه‌ای و مذهب است یا به

سر این فرهنگ. عبارت دیگر آنکه یا اجباری شدن موجب گوناگونی فرهنگی در گوناگونی جهان شود.

احیاء و بروز فرهنگ یک می‌کند. در اینجا نگاه وجود دارد (نگاه متوجه به عقیده‌های دین یعنی نگاه فرهنگی).

دینی هر صونی فرهنگی است تحت تأثیر دیدگاه تاریخی قرار گرفته است. در کتاب فرهنگ و دین به

لحاظ جهان سواداری بر تقسیم‌بندی جهان به دو بخش است. بخش نگاه متوجه به دین و بخش نگاه

به دین (دیدگاه متوجه به دین) (دیدگاه غیر مذهبی) (دیدگاه سکولار) (دیدگاه دینی) (دیدگاه دینی)

Subject:

Year. Month. Date. ()

صاحب نظران مسلماً بدیهه گرد. مل سید حسن (نفس). شغل و تفریبات و بازیها و سرگشته‌ها و افسوس و التیاف (غیر از)
آنرا مستعد کند. جوانی بدون به معنای چندین گونه و نابود شدن فرهنگ ملی خواهد شد.
دولت و ملت نگاه جوانی بدون یک نیروی است. با ابزارهای و در اختیار دارد فرهنگ ملی را مورد حمله قرار
و گسترش نهد، فرهنگ خودی را آسیب می‌رساند. در نگاه جوانی بدون انکار غرض نهایی
و نه فرهنگ تر است. (فرهنگ، روح و انگیزات بسته دارد.)

۱۰
(۲) دیدگاه مثبت به جوانی بدون اعتقاد است. جوانی بدون نه تنها نیست نابود شدن و فراموشی فرهنگ ملی و قومی
نمی‌شود بلکه اتفاقاً جوانی بدون یک امکان و فرصت است برای اندیشه فرهنگ خود را نشان دهند.
جوانی بدون نگاه یک میدانی است که بر عرضه فرهنگ (نفس و فرهنگ) و در دست است. اما حاضر بوده و یا
در معرض نابودی بودند، جوانی بدون این امکان را برای ابراهیم رنده خورشیدان را به جهان عرضه کند.
و گاه جشنواره ها و گورهای و خلی مطرح نبودند در نگاه فرصت بروز و امکان معرفی می‌کنند.
۲۰
در نگاه مثبت جهانی شدن فرصتی میدانی کند برای تبلور فرهنگهای انسانیت. و در نهایت جهانی شدن
فرصت است نه تهدید. حال اگر خواهم فعالیت کنیم با جوانی بدون به راه منحصر شده، به ابراهیم رنده
تکثیر و گسترش منحصر شده، آنچه اتفاق افتاده و یا خواهد بود، تجربه جهانی بدون بسته می‌توان فرصت بوده یا تهدید

Subject:

Year. Month. Date. ()

به طور کلی وقتی به عرض جانی نگاه می کنیم می توانیم جنبه های از جانی بودن را جذب یا دفع کنیم.
در عرض جانی، جانی بودن باعث نابودی فرهنگ ها بوده یا اینکه جانی بودن فرصت بوده است و
بزرگ کرده، فرهنگ های مختلف خود را نشان دهند. باید دوباره تائیدی را از هم ستانیم بر اساس
پروژه ها بعد از آن به نظر می رسد که جریان جانی بودن در ابتدای خودی از حد جانی هم به شکل یک
جریان جانی آغاز شد و استدلال انسان این است که در جریان جنبه جانی اروپای غربی و به ویژه آمریکا
از جنبه کمتر آسیب دیدند و بعد کمتری متعهد شدند. آمریکا به کشورهای صید زنه کمک کند چون
تکنولوژی و جنبه مالی قوی داشت، در نتیجه جانی بودن انسان را طاق آغازنده رفقه آغاز جانی داشت
است. اگر این دوره ۷۰ ساله را دوران قوت گرفتن جانی بودن بدانیم می توانیم در مقطع مکرر امتحان
کنیم. به نظر می رسد که در ابتدا (تا حدود دهه ۱۹۸۰) آنچه به عنوان غربی بودن و سیطره فرهنگ
آمریکایی می ماند، فرانکفونی را به آن هر صوی آمریکایی می نویسند. از ۱۹۷۰ بعد به تدریج
شاهین هستیم، جانی بودن هر دو به هم می رسد، فرهنگ های مختلف بتوانند خود را عرضه کنند. یعنی از
نمونه می توان معاهده ها مختلف بین المللی نام برد. (سفتو-آپت-سیتو). به تبع
بزرگوارند تکنولوژیک پدید می آید. به لحاظ اقتصادی این کشورها تقویت می شوند. صنعت
عقلانیت، دانش، پول، تکنولوژی عوامل مهم در جانی بودن هستند.
و باعث حضور پررنگ تر در صحنه جانی می شود.